

بررسی جایگاه آموزش رسمی، غیر رسمی و یادگیری مادام‌العمر در عصر ناپایداری اطلاعات

محمد رضا افضل نیا^۱، حسین اشکوه^۲ و آیلار کلوی^۳

چکیده با توجه به تغییر سریع فناوری در ابعاد مختلف زندگی، انسان امروزی با حجم انبوهی از اطلاعات مورد نیاز برای ادامه حیات و تنوع بقا مواجه شده است. افزایش اطلاعات و همراهی آن با تغییرات گسترده و سریع، موجب ناپایداری شدن اطلاعات شده است. در این شرایط دیگر اتکا به انباشته‌های دانش و اطلاعات دوره مشخصی از زندگی با عنوان دوره آموزش رسمی برای گذران مابقی عمر کافی نیست و در صورت نبود یادگیری پیوسته و تطبیق فعال آموخته‌ها با شرایط پویای زندگی، موجب غیر روزآمد شدن سریع داده‌های موجود خواهد شد. در چنین محیطی تأکید از نظام رسمی آموزش با چرخه حیات محدود به انواع دیگر یادگیری با عنوان یادگیری شخصی و مادام‌العمر، در کل چرخه زندگی فرد از گهواره تا گور، تغییر یافته است. در راستای ضرورت شناخت ویژگیها و جایگاه هر یک از نظامهای آموزشی و یادگیری، در این تحقیق با استفاده از ابزار پرسشنامه، بر اساس مقیاس پنج سنجهای لیکرت، و جمع‌آوری اطلاعات در جامعه آماری دانشجویان کارشناسی ارشد و دکتری دانشگاه تربیت مدرس، به ویژه در بین دانشجویان رشته‌های فنی مهندسی، نظامهای آموزشی رسمی، غیر رسمی و یادگیری شخصی و مادام‌العمر با همدیگر مقایسه و ارزیابی شده‌اند. یافته‌های تحقیق ضرورت توجه بر یادگیری مادام‌العمر را مشخص کرد و همچنین، نشان داد که در این یادگیری مادام‌العمر، یادگیری افراد بالاتر و لذت بخش تر و احتمال فراموشی آموخته‌ها کمتر است.

واژه‌های کلیدی: آموزش رسمی، آموزش غیر رسمی، یادگیری شخصی، یادگیری مادام‌العمر.

۱. استادیار، هیئت علمی مدعو دانشگاه تربیت مدرس، دانشکده علوم انسانی، گروه دروس مهندسی، تهران، ایران.

Afzalnia@hotmail.com

۲. دانشجوی دکتری تخصصی مدیریت پروژه و ساخت، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران. H.oshkooh@gmail.com

۳. دانشجوی کارشناسی ارشد معماری منظر، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران. Aylar.kalavi@gmail.com

۱. مقدمه

امروزه، در جوامع پیشرفته دیگر نظام رسمی آموزش جوابگوی نیازهای آموزشی افراد نیست و برای پوشش این نیازها ناگزیر از نظامهای غیر رسمی^۱ و شخصی^۲ بهره جسته شده است. نظام غیر رسمی و شخصی مفاهیم اجتناب ناپذیر در یادگیری مادام‌العمر^۳ به حساب می‌آیند که آن را برای استفاده افراد قابل دسترس می‌کند [۱]. واژه آموزش غیر رسمی در سال ۱۹۶۸ [۲] در زمانی که عقاید گسترده‌ای در خصوص انحلال نظام رسمی آموزش وجود داشت [۳ و ۴] شکل گرفت و نه تنها در کشورهای پیشرفته، بلکه در کشورهای در حال توسعه نیز به عنوان نوین‌داری نظام مریض آموزشی جوامع به آن نگریده شد [۴]. بسیاری از مؤسسه‌های آموزشی آموزش غیر رسمی را در سبب فعالیتهای آموزشی خود گنجانده و از آن در دانشگاهها، مراکز تحقیقاتی، مشاوره‌ها و گزارشهای علمی استفاده کردند [۵].

در کنار مفاهیم آموزش غیر رسمی، مفهوم دیگری با عنوان یادگیری مادام‌العمر شکل گرفته است که ارتباط تنگاتنگ و همبسته‌ای با دو مفهوم آموزش غیر رسمی و یادگیری شخصی دارد. مفهوم و ایده یادگیری مادام‌العمر یک مفهوم جدید و تازه شکل گرفته نیست، بلکه سابقه‌ای بسیار طولانی دارد [۶]؛ یادگیری مادام‌العمر همواره از شکلی به شکل دیگر، جدای از نظام رسمی آموزش، در جریان بوده است. دلیل این امر آن است که انسان در هر مرحله از زندگی تا زمانی که زنده و فعال است، به آموختن موضوعات جدید نیاز دارد [۶]. با ورود به قرن بیست و یکم ضرورت تطبیق فعال با تغییرات سریع فناوری آشکارتر شده است.

دیگر در این شرایط انباشته اطلاعاتی فرد در دوران تحصیل جوابگوی نیازهای آتی وی نبوده و با ناپایدار شدن اطلاعات، تأکید از آموزش رسمی بر یادگیری شخصی و مادام‌العمر تغییر جهت یافته است. در نظامهای نوین مسئولیت یادگیری بر عهده فراگیر گذاشته شده است و یادگیران بر اساس نیاز یا علاقه موضوعات یادگیری را انتخاب می‌کنند. در این شرایط محور یادگیری از معلم محوری به دانش‌آموز محوری تغییر یافته و نقش و جایگاه معلم از آموزنده دانش به نقش هدایت کننده و راهنما تبدیل شده است. با توجه به مطالب بیان شده، شناسایی جایگاه نظامهای غیر رسمی و نگرشهای مختلف افراد در خصوص ضرورت و لزوم به‌کارگیری آن در جامعه، امری اجتناب ناپذیر به منظور هماهنگی با محیطهای پویای جهانی است.

1. Non-formal Education

2. Informal Education

3. Lifelong Learning

با تأکید بر این موضوع، در تحقیق حاضر با تدوین پرسشنامه بر مبنای چارچوب مقایسه‌ای مراکز مواد و منابع آموزشی با مراکز فراگیری در ارتباط با مفهوم آموزش و یادگیری [۷] و جمع‌آوری اطلاعات از بین دانشجویان کارشناسی ارشد و دکتری مهندسی دانشگاه تربیت مدرس، ویژگیهای اصلی آموزش رسمی، غیر رسمی، شخصی و یادگیری مادام‌العمر بررسی و ضرورت هر یک از این نظامها نسبت به هم با استفاده از داده‌های جمع‌آوری شده ارزشیابی شده است. در ادامه ویژگی هر یک از نظامهای آموزشی بر اساس تحلیل داده‌ها ارائه و سپس، نگرشها در خصوص لزوم نظامهای غیر رسمی و مادام‌العمر بر اساس میزان فراوانی داده‌ها و میزان توافق بر آنها بررسی شده است.

۲. ادبیات موضوع

تغییرات سریع در فناوری اطلاعات موجب تغییر و شکل‌گیری مجدد ساختارهای اجتماعی شده است [۸]. روند تغییرات سریع موجب شده است تا اصطلاحات و واقعیت‌های جدیدی شکل بگیرد که یکی از آنها عصر اطلاعات و جامعه اطلاعاتی^۱ است. جامعه اطلاعاتی جامعه‌ای است که در آن اطلاعات به عنوان قدرت و توانایی پایه و منبع اصلی سرمایه شمرده می‌شود [۹].

تغییرات بسیار سریع در علم و فناوری موجب رشد و افزایش بیش از حد اطلاعات شده است و در نتیجه، برخی از پایگاههای اطلاعاتی معتبر در مدت زمان بسیار کوتاهی روزآمدی اطلاعات خود را از دست داده‌اند [۹]. امروزه، مردم سراسر دنیا با هم مرتبط شده‌اند و مرزهای سیاسی کمرنگ شده است. همچنین، همه مردم در هر سن و سال، مکان جغرافیایی، موقعیت و وضعیت اجتماعی و سیاسی و با هرگونه نیاز دانشی قادرند از نظامهای یادگیری در دورترین نقاط عالم بهره‌مند شوند. اطلاعات همسطح و همزمان، مرزها و ارزشها را در یک روند جهانی در همه جای دنیا در هم می‌نوردد و روز به روز عناصر فرهنگی جهان در همه جای دنیا بیشتر به چشم می‌خورد و در رهگذر جاری فناوری به جدایی بیشتر آموزش از یادگیری می‌انجامد [۱۰].

دیگر در جهانی که با تغییرات گسترده همراه است، استفاده از منابع محدود اطلاعات انباشته شده در دوران آموزش رسمی و به‌کارگیری آنها در مواقع لزوم در آینده قابل اتکا نیست. تمام این عوامل ایجاب می‌کند که یادگیری به یک دوره مشخص از زندگی افراد محدود نشود [۱۱]. تأثیرات این رویکرد موجب شده است تا پارادایم جدیدی مبتنی بر یادگیری پیوسته در تمام طول عمر فرد، با عنوان یادگیری مادام‌العمر و با شعار "ز گهواره تا گور دانش بجوی"^۲، شکل بگیرد. بر اساس نظر

1. Information Society
2. Education from Cradle to Grave

کروثر^۱ [۱۲] در یادگیری مادام‌العمر شخص پیوسته در حال یادگیری است و مسئولیت مدیریت یادگیری بر عهده وی محول شده است. همچنین، کروثر بیان می‌کند که در یادگیری مادام‌العمر شخص چگونگی یادگیری را یاد می‌گیرد [۱۲]. در توسعه فناوریهای آموزش به فناوری یادگیری، انتقال صرف معلومات به همت معلم نه تنها ملاک و نتیجه‌بخش نخواهد بود، بلکه با بیراهه رفتن از مسیری که فناوری اطلاعات و ارتباطات در پیش گرفته است، آثار مخربی را نیز در تعارض با نیازهای جامعه به وجود خواهد آورد؛ زیرا اگر یادگیری خلاق و خودانگیزش مولد علم می‌شود، در آموزش رسمی ارتباط یک‌سویه و منفعل شاگرد در برابر معلم به مصرف کامل دانش می‌انجامد [۷]. از طرف دیگر، در روند یادگیری مادام‌العمر ارتباطهای عمودی معلم - شاگردی (من می‌گویم، تو یادبگیر) به ارتباطهای افقی و همسطح بین فراگیران تغییر می‌یابد [۷] که به افزایش تعاملات بین فردی در یادگیری مبتنی بر همکاری و هم‌انگیزی منجر می‌شود.

برای ارزیابی بهتر مفاهیم آموزش رسمی، غیر رسمی و یادگیری شخصی نیازمند ارائه تعریف جامع و مانع از این سه مفهوم هستیم که به برداشت واحد از آنها در سراسر تحقیق منجر می‌شود. با توجه به این موضوع، آموزش رسمی در این تحقیق عبارت است از: "... یک نظام آموزشی مدون سلسله‌مراتبی و رتبه‌بندی شده به ترتیب توالی زمانی که در بازه بین آموزش ابتدایی در سطح پایین و دانشگاه در سطح بالا ساختار یافته است" [۸]. در سمت دیگر از آموزش غیر رسمی به عنوان هر فعالیت آموزشی خارج از نظام رسمی آموزش یاد شده است و بنا بر تعریف، عبارت است از: "نظام غیر رسمی ... هر فعالیت آموزشی سیستماتیک و سازمان یافته که در خارج از چارچوب نظام رسمی، جهت یادگیری موضوعات مختلف در رده‌های سنی گوناگون از کودکان تا بزرگسالان است" [۱۳].

با این تعریف، برداشتها از این مفهوم در میان افراد و دولتهای مختلف متفاوت است. برای نمونه، برخی نظام غیر رسمی را هرگونه برنامه آموزشی‌ای که توسط وزارت آموزش خارج از برنامه مدارس و دانشگاهها تدوین شده باشد، می‌دانند. برای برخی دیگر این نظام عبارت از برنامه‌های آموزشی است که از طرف سازمانهای غیردولتی^۲ تدوین شده است [۵]. یک مفهوم سومی نیز در آموزش با عنوان یادگیری شخصی وجود دارد. مشکلی که در این زمینه بین اندیشمندان وجود دارد این است که اغلب آنها از واژه یادگیری شخصی در مقابل آموزش شخصی استفاده می‌کنند. آنها واژه آموزش را آموختن با قصد و برنامه تعریف می‌کنند. بر اساس این تعریف، آموزش شخصی شامل تمام یادگیریها جدای از

1. Crowther

2. Non-Government Organization (NGO)

۶۲ بررسی جایگاه آموزش رسمی، غیر رسمی و یادگیری مادام‌العمر در عصر ناپایداری اطلاعات

- علاوه بر نظام آموزشی، سازمانها، مؤسسات و کسب و کارها نیز بر فرایندهای یادگیری مادام‌العمر نیاز دارند؛
- اشخاص در این شرایط مدیریت یادگیری را برعهده دارند.

نیاز به یادگیری مستمر و پیوسته در سراسر طول عمر از جنبه‌های مختلفی قابل بررسی است، برای مثال، یکی از دلایل اساسی یادگیری مادام‌العمر تغییر در قوانین اجتماعی است که هر شخص از دوران طفولیت تا پیری با آن مواجه است. از دیگر دلایل اصلی یادگیری مادام‌العمر رشد فیزیولوژیکی و تغییراتی است که در مراحل مختلف زندگی روی می‌دهد. دلایل دیگر یادگیری مادام‌العمر می‌تواند عوامل اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و سایر عواملی باشد که به جامعه و شخص انسان مربوط می‌شود، از جمله ضرورت کسب مهارت، دانش و ویژگیهایی که با آموخته‌های قبلی مرتبط یا نامرتبط است. از دلایل مهمی که موجب شده است تا پدیده یادگیری مادام‌العمر در چند سال اخیر بسیار رواج یابد، می‌توان به گسترش تمایل به افزایش کیفیت زندگی افراد و نگرانیهای جهانی در این خصوص، بدون توجه به اینکه در کدام محدوده از جهان ساکن هستند، اشاره کرد. از دلایل دیگر رواج مفهوم یادگیری مادام‌العمر افزایش بسیار سریع تغییراتی است که در دامنه طول عمر افراد کنونی جوامع نسبت به گذشته روی می‌دهد. انفجار دانش و ناپایدار شدن اطلاعات از نتایج این تغییرات است [۱۸].

با توجه به دلایل و ضرورت یادگیری مستمر و پیوسته که بدان اشاره شد، بعد از این راهبرد بهتر زیستن بر مبنای بیشتر و بهتر دانستن و فراگیری فعال و روزمره اموراتی است که برای بقا و پیشرفت، در این غوغای تغییرات، ضروری است، نه آموزش دیدن تنها و انبار کردن محفوظاتی که در روز مبادا فرد را یاری رساند [۱۶].

۳. روش تحقیق

تحقیق حاضر از نظر دسته‌بندی بر مبنای هدف، تحقیقی کاربردی است که هدف آن بررسی ویژگیهای یادگیری مادام‌العمر در مقایسه با سایر نظامهای آموزشی و شناسایی نگرشها نسبت به اهمیت و ضرورت آن در جامعه است. بر این مبنای روش تحقیق حاضر روش ترکیبی است. ابزار جمع‌آوری اطلاعات پرسشنامه بوده است که بر مبنای چارچوب مقایسه‌ای مراکز مواد و منابع آموزشی با مراکز فراگیری در ارتباط با مفهوم آموزش و یادگیری [۷] در دو بخش [بخش اول آن بر اساس مقیاس پنج سنجهای لیکرت^۱ برای تعیین جایگاه نظامهای مختلف آموزش و یادگیری و بخش دوم به صورت مقایسه‌ای از بین سه نظام رسمی آموزش، نظام غیر رسمی و یادگیری مادام‌العمر و

1. Likert

محمدرضا افضل نیا، حسین اشکوه و آیلار کلوی ۶۳

شخصی] تدوین یافته است. تحلیل داده‌ها به صورت ناپارامتریک و بر اساس تکنیکهای تحلیل آماری توصیفی^۱ صورت گرفته است. سؤالات تحقیق عبارت است از:

- جایگاه و ضرورت وجود نظامهای رسمی، غیر رسمی و شخصی در عصر ناپایداری اطلاعات چگونه است؟
- ویژگی نظامهای آموزش بر اساس شاخصهای یادگیری نسبت به هم چگونه است؟

جامعه آماری تحقیق دانشجویان کارشناسی ارشد و دکتری مهندسی دانشگاه تربیت مدرس و تعداد نمونه داوطلب آماری ۵۶ نفر است. انتخاب نمونه بر اساس نمونه‌گیری احتمالی ساده صورت گرفته است. نمونه آماری به تفکیک جنسیت از ۳۳ دانشجوی پسر با میانگین سنی ۲۴ و ۲۹ سال و تعداد ۲۳ دانشجوی دختر با میانگین سنی ۲۶ و ۴۳ سال تشکیل شده است. میانگین سنی کل نمونه آماری ۱۵ و ۲۸ سال در محدوده سنی بین ۲۳ تا ۴۷ سال است.

۴. جایگاه و ویژگی نظامهای آموزشی و یادگیری

اگر زمانی نظام آموزش و پرورش به صورت یک نهاد اجتماعی پاسدار فرهنگ و انتقال دهنده آن به نسل جوان‌تر در نظر گرفته می‌شد و نسلی را برای قبول تعهدات و مسئولیتهای اجتماعی در هر زمان آماده می‌ساخت، اکنون دیگر نمی‌توان آن را به عنوان مهم‌ترین عامل تعیین کننده و متعادل‌ساز تغییرها در همه جنبه‌های اقتصادی، سیاسی، اجتماعی، هنری و غیره قلمداد کرد [۱۰]. در خصوص این نوع ارزش‌گذاری جدید، نیازهای پیش‌آمده جاری در سطح جهان و تغییرهای روزمره، در همه سطوح چشم‌اندازهای اطلاعاتی بشر امروز، در ارتباط با جامعه و ابعاد مختلف زندگی، موضوعات جدیدی مطرح می‌کند. استفاده از «یادگیری» به جای آموزش تحول انقلاب گونه‌ای است که هم‌اکنون زمینه‌های آن را فراهم‌تر می‌بینیم. این آمادگیها زمینه بروز خلاقیتها و تعمیم خودگستری^۲ را، بر اساس لذت رفع نیاز دانشی، در یک فضای دموکراتیک و در جهت نیل به اهداف ارتقای سواد به معنای کلان آن آغاز کرده است [۷].

برای ارزشیابی جایگاه نظامهای مختلف آموزشی و یادگیری بر اساس ضرورت وجود هر یک و میزان وابستگی جامعه در رشد و تعالی خود به نظامهای مختلف، در تحلیل نتایج پرسشنامه‌ها به صورت تحلیل ناپارامتریک^۳ از دو معیار سنجش میانه و نسبت میانه به انحراف معیار به عنوان شاخص پیشنهادی استفاده شده است. هر یک از سؤالیهای پرسشنامه در این قسمت بر مبنای مقیاس پنج

1. Descriptive Statistical Analysis Techniques

2. Self-development

3. Non Parametric

۶۴ بررسی جایگاه آموزش رسمی، غیر رسمی و یادگیری مادام‌العمر در عصر ناپایداری اطلاعات
سنجه‌ای لیکرت از اهمیت یک تا پنج، مطابق با مقیاس زبان‌شناختی بسیار کم، کم، متوسط، زیاد و
خیلی زیاد تدوین شد.

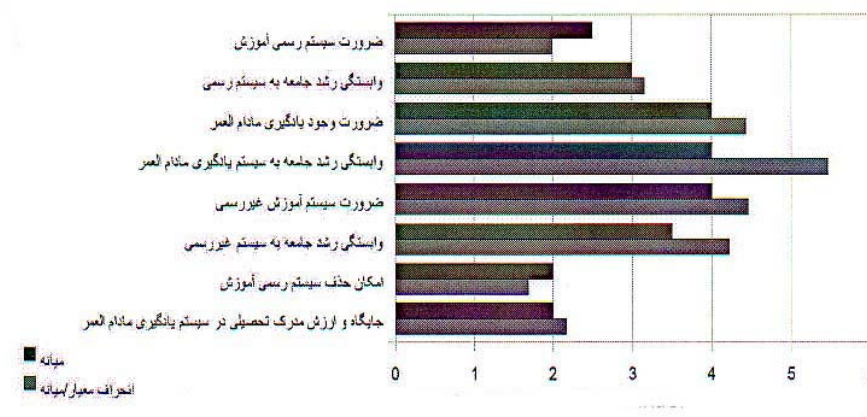
تحلیل آماری نتایج ابتدا بر اساس میانه داده‌های پرسشنامه صورت گرفت. نتایج نشان داد که
ضرورت وجود نظام آموزش مادام‌العمر نسبت به نظامهای دیگر آموزش بیشتر و وابستگی رشد جامعه
به یادگیری مادام‌العمر نیز بیشتر است. همچنین، امکان حذف نظام آموزشی رسمی در جامعه پایین
ارزیابی شد. سپس، نتایج بر اساس شاخص پیشنهادی ارزیابی شد. در این شاخص پیشنهادی از نسبت
میانه به انحراف معیار استفاده شده است (رابطه ۱) که به صورت اجمالی معرف میزان توافق جمعی
بر اهمیت سؤالهای پرسشنامه است. نتایج به دست آمده بر اساس هر دو معیار سنجش در جدول ۱ و
نمودار ۱ ارائه شده است.

$$\text{رابطه (۱)} \quad \text{میانه} \\ \text{انحراف معیار} = \frac{\text{میانه}}{\text{انحراف معیار}}$$

جدول ۱: ارزیابی جایگاه نظامهای آموزش و وابستگی رشد جامعه به هر یک از آنها.

مآخذ: نویسندگان

انحراف معیار/ میانه	انحراف معیار	میانه	
۲	۱،۲۴	۲،۵	ضرورت وجود نظام رسمی آموزش در جامعه
۳،۱۶	۰،۹۴	۳	میزان وابستگی پیشرفت جامعه به نظام رسمی آموزش
۴،۴۳	۰،۹۰	۴	ضرورت وجود نظام یادگیری شخصی (مادام‌العمر) در جامعه
۵،۴۵	۰،۷۳	۴	میزان وابستگی پیشرفت جامعه به نظام یادگیری شخصی (مادام‌العمر)
۴،۴۶	۰،۸۹	۴	ضرورت وجود نظام غیر رسمی در جامعه
۴،۲۱	۰،۸۴	۳،۵	میزان وابستگی پیشرفت جامعه به نظام غیر رسمی
۱،۶۸	۱،۱۸	۲	امکان حذف نظام رسمی آموزش در چند سال آینده
۲،۱۶	۰،۹۲	۲	جایگاه و ارزش مدرک تحصیلی در نظام یادگیری غیر رسمی



نمودار ۱: ارزیابی جایگاه نظامهای مختلف آموزش و وابستگی رشد جامعه به هر یک از آنها. مأخذ: نویسندگان

در ارزیابی ویژگیهای هر یک از نظامهای آموزشی و یادگیری نسبت به هم از هفت شاخص اصلی، برگرفته شده از چارچوب مقایسه‌ای مراکز مواد و منابع آموزشی با مراکز فراگیری در ارتباط با مفهوم آموزش و یادگیری [۷]، استفاده شده است. این شاخصها عبارت‌اند از:

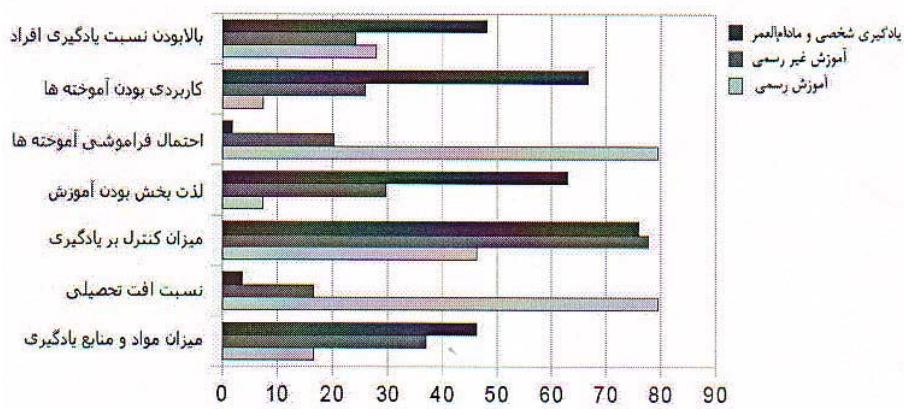
- بالا بودن میزان یادگیری افراد از موضوعهای مطرح شده؛
- کاربردی بودن آموخته‌ها و متناسب بودن آنها با نیاز واقعی زندگی؛
- احتمال فراموش شدن آموخته‌ها؛
- لذت بخش بودن آموزش یا ایجاد انگیزه برای آموختن مطالب جدید؛
- میزان اختیار و کنترل افراد در انتخاب موضوعات یادگیری؛
- نسبت افت تحصیلی و کاهش انگیزه در یادگیری؛
- میزان فراوانی و سهولت دسترسی به مواد و منابع یادگیری.

نتایج این تحلیل در جدول ۲ و نمودار ۲ ارائه شده است.

۶۶ بررسی جایگاه آموزش رسمی، غیر رسمی و یادگیری مادام‌العمر در عصر ناپایداری اطلاعات

جدول ۲: ارزیابی ویژگی هر یک از نظامهای یادگیری (برحسب درصد). مأخذ: نویسندگان

یادگیری مادام‌العمر	آموزش غیر رسمی	آموزش رسمی	
۴۸.۱۵	۲۴.۰۷	۲۷.۷۸	بالابودن نسبت یادگیری افراد
۶۶.۶۷	۲۵.۹۳	۷.۴۱	کاربردی بودن آموخته‌ها
۱.۸۵	۲۰.۷۳	۷۹.۶۳	احتمال فراموش شدن آموخته‌ها
۶۲.۹۲	۲۹.۶۳	۷.۴۱	لذت بخش بودن آموزش
۷۵.۹۳	۷۷.۷۸	۴۳.۳۰	میزان کنترل بر یادگیری
۳.۷۰	۱۶.۶۷	۷۹.۶۳	نسبت افت تحصیلی
۴۶.۳۰	۳۷.۰۴	۱۶.۶۷	میزان مواد و منابع یادگیری



نمودار ۲: ارزیابی ویژگی هر یک از نظامهای آموزشی و یادگیری. مأخذ: نویسندگان

۵. نتیجه‌گیری

نتایج تحقیق نشان داد که بر اساس دو معیار میانه و شاخص پیشنهادی، یادگیری مادام‌العمر نسبت به دو نظام دیگر با اهمیت‌تر است و در رشد و پیشرفت جامعه تأثیر بیشتری نسبت به نظامهای

آموزش رسمی و غیر رسمی دارد. همچنین، در بررسی ویژگیهای نظامهای آموزشی و یادگیری بر اساس هفت شاخص بالا بودن یادگیری، کاربردی بودن آموزش، فراموش شدن آموخته‌ها، لذت‌بخشی آموزش، کنترل بر یادگیری، افت تحصیلی و میزان فراوانی و سهولت دسترسی به مواد و منابع یادگیری، مشخص شد که در یادگیری مادام‌العمر یادگیری افراد بیشتر و آموخته‌ها کاربردی‌تر است. همچنین، این نوع آموزش لذت‌بخش‌تر و تعداد مواد و منابع یادگیری و سهولت دسترسی به آنها بیشتر است. در نظام آموزش غیر رسمی کنترل بر یادگیری بیشتر است و در یادگیری رسمی احتمال فراموش شدن داده‌ها و افت تحصیلی نسبت به نظام یادگیری مادام‌العمر و غیر رسمی بیشتر است.

در تشریح اهداف و تجربه‌های جدید آموزشی و یادگیری گفته شد که نگرشهای نو نسبت به نظام اطلاع‌رسانی و فراشناختی، دیگر روش مبتنی بر آموزش رسمی را به عنوان تنها عامل انتقال و پرورش دانش نمی‌پذیرد. این امر به دلیل نداشتن شور و شوق لازم برای فراگیری در نظام آموزش رسمی و کوتاه بودن عمر مفید اطلاعات دانش فراگرفته شده در عصر تغییرات سریع و شگرف است. در حالی که در آموزش و پرورش و نظام رسمی آموزشی بر وجود تشابه و تعمیم آن به یک جمعیت تأکید شده و سپس، در باره اختلافات فردی به عنوان انحراف از هنجار تبصره‌هایی در نظر گرفته شده است که توجه به آنها می‌تواند آموزش را مؤثرتر و عملی‌سازد.

یادگیری از نوع شخصی و خودجوش که مبتنی بر نیازها، انتظارات، خواسته‌ها و شرایط پیش آمده در زندگی فردی است، واکنشی در مقابل نظام رسمی آموزش تلقی می‌شود که بر محوریت فرد یادگیرنده و تفاوتی که فرد را از دیگران متمایز می‌سازد، استوار است. داشتن حق انتخاب جزء لاینفک نظام سواد آموزی جدید است. در سواد آموزی جدید داشتن حق انتخاب از طرق مختلف می‌تواند به فرایند یادگیری انگیزه دهد. با توجه به تغییر نقش معلم از انتقال‌دهنده دانش در نظام رسمی آموزش به هدایتگر یادگیری در نظامهای غیر رسمی و مادام‌العمر، مشخص می‌شود که نقش معلم در نظامهای یادگیری پررنگ‌تر از نقش سنتی او در کلاس درس است و حیطه نفوذ وی نه فقط به مدرسه، که به تمام اوقات و شرایط راهنمایی در یادگیری تسری می‌یابد. انتقال آموزش و امکانات آن [از جمله مرکز مواد و منابع آموزشی] به یادگیری (فراگیری) باید به صورت فرایندی باشد که اجبار را به انتخاب و اختیار و رنج یادگیری در نظام رسمی آموزش را به لذت از یادگیری [در وضعیت رفع نیاز] و منوط بودن آموزش به معلم و مدرسه را به خود مدیریت و خودگستری تبدیل کند.

مراجع

1. Coun, Eur, Council of Europe Report Doc 8595 Non-Formal Education, December 1999.
2. Coombs, P. H., **World Educational Crisis: A Systems Approach**, New York: Oxford University Press, 1968.

3. Illich, I., **Deschooling Society**, Calder and Boyars, London, 1971.
4. Freire, P., **Pedagogy of the Oppressed, Harmonds Worth**, Penguin, 1972.
5. Rogers, A., **Looking Again at Non-formal and Informal Education - towards a New Paradigm**, [http://www.infed.org/ biblio/non_formal_paradigm.htm](http://www.infed.org/biblio/non_formal_paradigm.htm), 2004.
6. Dave, R. H., **Lifelong Education and School Curriculum**, UNESCO Institute for Education, Hamburg, 1973.
۷. افضل نیا، محمدرضا، **طراحی و آشنایی با مراکز مواد و منابع یادگیری**، سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاهها (سمت)، تهران، ۱۳۸۷.
8. Demirel, M. , **Lifelong Learning and Schools in the Twenty-first Century**, *Procedia Social and Behavioral Sciences*, 1, pp. 1709–1716, World Conference on Educational Sciences, 2009.
9. Çalik, T. and F. Sezgin, “Globalization, Information Society and Education”, **Kastamonu Education Journal**, Vol. 13, No. 1, pp. 55-66, 2005.
۱۰. شایگان، داریوش، **افسون‌زدگی جدید: هویت چهل تکه و تفکر سیار**، ترجمه فاطمه ولیانی، چاپ سوم، انتشارات فرزانه، تهران، ۱۳۸۱.
11. Coffield, F., **The Necessity of Informal Learning**, Policy Press, 2000.
12. Crowther, J., “In and Against Lifelong Learning: Flexibility and the Corrosion of Character”, **International Journal of Lifelong Education**, Vol. 23, No. 2, pp. 125-136, 2004.
13. Coombs, P. H. and M. Ahmed, **Attacking Rural Poverty: How Non-formal Education Can Help**, Baltimore, John Hopkins University Press, 1974.
14. Conford, I. R., “Learning-to-learn Strategies as a Basis for Effective Lifelong Learning, International” ,**Journal of Lifelong Education**, Vol. 21, No. 4, pp. 357-368, 2002.
15. **Minnesota Virtual University Glossary**, [Electronic Version] <http://www.mnvu.org>. 2009.
16. Richardson, L. D. and M. Wolfe, M. **Principles and Practice of Informal Education: Learning Through Life**, Routledge, London, 2003.
17. Çolakoglu, J., **Yaşamboyu öğrenmede Motivasyonun önemi.**, *Milli Egitim Dergisi*, 155-156, 127-134, 2002.
18. Reinsch, E., **The Relationship Among Lifelong Learning, Emotional Intelligence and Life Satisfaction for Adults 55 Years of Age or Older**, Doctorate Thesis, University of Illinois, 2007.

(دریافت مقاله ۱۳۸۸/۱۲/۱۵)

(پذیرش مقاله: ۱۳۸۹/۲/۸)